



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

طریقت آدب را یاد می دهد

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصعبة والخير في الجمعية.

نصیحت حضرت پیامبر (ص) است که ما همیشه به ترسیم از الله (جل جلاله). هیچ موقع الله را فراموش نه کنید. الله شما را می بیند. شما نمی توانید هیچ جا خود را قایم کنید و او می داند هر آنچه شما انجام می دهید. این یک توصیف از ایمان از حضرت پیامبر (ص) ما. احترام به اولیاء، احترام به دانشمندان، و احترام و درخور به نسبت به والدین هست همه چیزهای که طریقت یاد می دهد. "الطريقة كلها آداب" همه طریقت آدب است.

هیچ آدب نمی ماند زمانی که طریقت رفته است. آدب، در میان مسلمانان، به عنوان یک چیز خوب و ویژه زیبا از بین رفته است. و شرم آور بیشتر از زمان در نظر گرفته شده. نسبت به والدین مطیع و آدب خوب داشتن خوب است. نسل جدید طریقت ندارد، هیچ چیز، و هیچ آدب ندارند. هنگامی که طریقت ها نمی مانند، آنها آدب از یک ویژگی خوب به مسخره تبدیل کرده اند و به یک نکته خنده دار.

در اینجا (آناتولی)، البته، طریقت ها ممنوع شد و این است که چه اتفاقی افتاد. زمانی که عثمانی ها رفته بودند، شیطانان دیگر در کشورهای دیگر آمد. طریقت در برخی از کشورهای اسلامی ممنوع است. در کشورهای دیگر، حتی اگر آنها طریقت را ممنوع نکنند، آنها آن را با شیوه ای منفی نگاه می کنند.

آنها می گویند شما یک گناه انجام دادی هنگامی که شما آدب و احترام نشان می دهید. تا اینجا رسیدن، آنها شیطان را تا این حد پیروی می کنند. این افراد فکر می کنند خودشان مسلمان هستند، آنها نماز و روزه می گیرند. آنها فکر می کنند یک توهین شایسته برای مردم در طریقت است و افرادی که آدب نشان می دهند. بعد چه اتفاقی می افتد؟ آنجا، او وضعیت که ما می بینیم اتفاق می افتد.

بسیار مهم است آدب را یاد گرفتند. الله عز و جل آدب به حضرت پیامبر (ص) یاد داد. او آن را به ما یاد داد، به مردم یاد داد، و آن را به صحابه هم یاد داد. صحابه به عالمان، عالمان به حضرت ها، و حضرت ها به درویش ها. در این جهت می آید.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

همان است با خوردن و نوشیدن. مردم همه چیز را در خارج از آداب انجام می دهند. البته، آنها هیچ گسل ندارند. چرا که وقتی که طریقت، تکیه صوفی، درگاه ها، زاویا بسته شده اند، هیچ شیوخ یا افرادی که علمی هستند وجود ندارند برای یاد دادن. کی در آن اطراف باقی مانده بود؟ در آنجا، مستان، آنهایی که خودخواه هستند و خود جویان باقی مانده بودند. هیچ کس دیگری در اطراف باقی مانده نه بود.

شکر به الله آناتولی ما پر است، آن را پر از اولیاء و صحابه است. چگونه بسیاری از آن حضرت ها اینجا هستند؟ شروع کردند با حضرت [ابو] ایوب الانصاری به آنهایی که در مسجد زیرزمینی هستند، بسیاری از صحابه در اینجا وجود دارند. همان با اولیاء است: مرکز افندی، سنبل افندی، یحیی افندی، حضرت عزیز محمود هودایی، حضرت مصطفی دبتی، حضرت جمال الدین الغموقی الحسینی استانبول پر است.

در بیرون از استانبول، حاجی بایرام ولی در آنکارا وجود دارد. در راه به آنجا، حضرت خیرالدین توکادی، آن از اصحاب الکهف بود، اویس قرنی و فقیر الله دیگر در سمت راست و در سمت چپ وجود دارند. پس از آن در قونیه، حضرت مولانا [رومی]، و حضرت شمس تبریزی. اینها قیانوس ها هستند. دانش و کرامت آنها هنوز هم روان است. هزاران نفر از مردم مسلمان شدن هر روز تحت تاثیر دانش آنها.

حضرت مولانا بزرگترین نعمت برای کشور ما است و برای تمام بشریت. او نه تنها یک نعمت بزرگ برای کشور ما است، اما حتی برای تمام بشریت است. ما کتاب های مقدس او را می خوانیم، مثنوی شریف را برای اولین بار در اولین خلوت. او جلد اول بود. بیش از حد جلد دوم را می خوانیم. باشد که الله درجه او را زیاد کند همیشه بیشتر. هنگامی که بچه بودیم مثنوی را می دیدیم و در مورد آن از مولانا شیخ (ق) میشنیدیم. او آن را در کنار نگاه می دارد، اما ما درک نمی کنیم آنچه آن بود. ما آن را باز می کنیم زمانی که خلوت می رویم و ماشاءالله آن دریا، اقیانوس است.

علاقه خیلی از اروپایی را به خود جلب کرد. آن بسیار بیشتر از این هست چونکه حضرت مولانا رومی توضیح می دهد به کوچکترین جزئیات در مثنوی برای آنهایی که می گویند بزرگترین روانشناسان، جامعه شناسان، و راجب آن موارد که صحبت نمی کنند. بر روی ما بسیار زیاد اثر گذاشت به شکر الله. اما ما یک فرصت دیگر برای آن را خواندن نداشتیم.

بسیاری از آثاری پس از آن آمد، اما حکمت الله است که ما هیچ کار انقدر قدرتمند مثل این ندیدیم. این یک کار است که که ۷۰۰-۸۰۰ سال پیش نوشته شده است. ماشاءالله بسیاری از مردم توسط اثرات آن هدایت می شدند. با این حال، متأسفانه همچنین خود جویان اطراف هم وجود دارند. آنها می خواهند تهمت کنند به حضرت مولانا رومی با گفتن چیزهایی که او هیچ موقع نه گفت. بیان در زبان ترکی وجود دارد که می گوید: "خورشید را نمی شود با خاک مالیدن." خدا را شکر که هر کس که بخواد می تواند صحبت کند، آن ارزش ندارد. از آنجا که او یک جواهر و یک خورشید است. او می درخشد.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

هیچ چیز به حضرت مولانا رومی نمی تواند تحت تأثیر کند چونکه که اکثر مردم حضرت مولانا در طول زمان خود را درک نمی کردند. کسانی هستند که درک می کنند و کسانی هستند که تا حالا ردک نکردند. سپس کسانی که ادعا به دنبال مولانا برای منافع خود هستند. آنها نماز نمی خوانند، دعا نمی کنند، از همه نوع چیز های عجیب و غریب وجود دارند، و چیزهایی که با سلام متناسب نیستند وجود دارند، و سپس: "من پیرو مولانا هستم!" من می دانم، مولانا هرگز چنین چیزی را نمی پذیرد. اما چیزی که آنها درک کردن نادرست است. آنها اشتباه درک کرده اند.

حضرت مولان بهترین توضیحات می دهد، زیباترین نمونه ها داد و داستان ها می گوید. حتی افرادی که مشکل دارند برای او را درک کردن می توانند او را درک کنند زمانی که او را بخوانند یا او را گوش بدهند. البته دانشمندان که آماده هستند او را مطالعه کنند و او را توضیح بدهند وجود دارند.

پدربزرگ مولانا شیخ (ق)، نام او همچنین ناظم بود، آخرین شیخ مولوی قبرس بود: کایتازاده محمت ناظم افندی. او آخرین شیخ در آن زمان بود. هنگامی که چیزی در اینجا اتفاق می افتاد... ضرب المثل چیست؟ "اگر کسی در اینجا عطسه می کند، آنجا کسی سرما می گیرد." به زودی زاویه اینجا بسته شده اند، به عنوان یک عملگرایی به نام او آنها زاویه ها را بسته اند و الفبا را تغییر کرده اند. در حالی که در اینجا (قبرس) این موضوع نه بود، اینجا تحت دولت بریتانیا بود.

ما در این مورد با مولانا صحبت می کنیم. تبار کایتازاده محمت ناظم افندی از او می آید. هنگامی کسی می گوید مولوی، رقص در اویش به ذهن می آید. مردم باید اول کار او را بخوانند. این یک کار است که توصیه می دهیم. این ۷۰۰-۸۰۰ سال پیش نوشته شده اما شما می توانید آن را درک کنید. شما همه چیزهایی توضیح داده را درک می کنید. در حال حاضر کتابهای تازه است که شما هیچ چیز را درک نمی کنید. می توانید خوانید اما هیچ چیز قابل درک نیست.

به جای او قرآن را بخوان. از آنجا که شما نمی فهمید، چرا شما آن را می خوانید در بیهوده؟ شما مجبور به خواندن همان چیزی ها هر روز نیستید. قرآن را بخوان، دلایل الخیرات را بخوان و تسبیح انجام بدهید. الله (جل جلاله) پاداش را در بازگشت می نویسد. هیچ فایده نداره خواندن چیزی که شما درک نمی کنید. ما می توانیم درک کنیم که شما یک بار بخوانید. اما شما در حال خواندن همان چیزی ها، بارها و بارها، و شما هیچ چیزی درک نمی کنید. این هم یک اتلاف وقت است.

مولویه هم یک طریقت هست. همانطور که گفتیم، طریقت ها سعی می کنند ادب را و هر انواع زیبایی است آید بدهند. خورشید اسلام در همه جا با توجه به آنها روشن است. "از حالا اسلام به پایان رسید، ما همه چیزها را به پایان رساندیم و و هیچ چیز را ترک نکردیم،" آنها می گویند. هنگامی که عثمانی ها تمام شد، آنها مردم ها در برابر اراده خودشان را مجبور کردند. بنابراین مردم ما در اینجا همه این چیز هارا با اراده خودشان انجام ندادن. چیزهایی که مجبوری انجام می شوند صد در صد بر علیه اسلام هستند. هر چه بر علیه آداب و سنت مردم ما بود، همه آنها انجام شد.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

انجام دادن اینها را هیچ نیازی نه داشت. آنها دیدن که با شدت انجام دادن، آنها خیلی عذاب رساندن، و وقتی که همه چیز تمام شده بود: آنها بازگشتند. این خاکستر، به ناگهان یک شعله دوباره شدن. و در حال حاضر آنها در حال حمله از سراسر دنیا برای این آتش را خاموش کردن. این بار تلاش آنها برای خاموش کردند او را با خوبی است.

الله (جل جلاله) با ما است. الله انشاءالله یاور ما است. شیطان پشت سر آنها است. چیزی جز آسیب و نتایج باخت برای انسان از شیطان نمی رسد. پایان مردم ها که با شیاطین هستند هم باخت است.

ما در حال گفتند به دنیا اسلام دوباره که آنها نا باید دور از طریقت بمانند، آنها باید شیوخ واقعی پیدا کنند و و مرشد واقعی. اجازه دهید آنها را آن را پیدا کنند به طوری که مردم به راه راست بی آید و ادب یاد بگیرند. همانطور که گفتیم، طریقت ها به حضرت پیامبر (ص) وصل هستند. گروهی دیگر، جوامع های و کسانی که وصل نیستند. آنها به دنیا وصل هستند.

طریقت به حضرت پیامبر (ص) وصل است، دیگران به دنیا وصل هستند. هنگامی که وصل می شود به دنیا، آنها به هر جای که منافع خود هستند می روند. الله ما را امن نگه دارد. که الله یاور و پشتیبان ما باشد. این زمان فتنه است. انشاءالله سر اسلام اینجا است، عثمانی اینجا هستند. شکر به الله عثمانی نمرده اند.

دنیا میلرزد و مسلمانان خوشحال می شوند زمانی که عثمانی اشاره شده است. کسانی که علیه مسلمانان هستند می لرزیدن از ترس. بگویید "عثمانی" سه بار و قلب انسان ها توقف خواهد می کرد. چنین عظمت (هیبة) وجود دارد. الله این را به عثمانی داد. عثمانی ادب طریقت و عشق طریقت را دارند.

الله یاور ما باشد. الله یک رئیس برای مسلمانان انشاءالله بدهد. همیشه به انتظار برای او هستیم، مهدی علیه سلام. مهدی علیه سلام جمع می کند تمام این مسلمانان که در یک پراکنده هستند و حالت بدبختی به خواست الله.

تا آن زمان، انشاءالله الله این کشور را و این مکان ها را امن نگه می دارد. شر که کسانی با چشم بد به این جا و به اسلام میرسانند به خودشان برگردد. هر چه تله آنها دشت باشند، که خداوند به آنها او را برگردد. الله بر همه چیز تواناست. الله ما را امن نگه دارد انشاءالله.

و من الله التوفیق.

الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل

۲۲ جمادی الأولى ۱۴۳۷، درگاه ابویوب سلطان